

پژوهش‌نامه کاشان، شماره هشتم (پیاپی ۱۶)
بهار و تابستان ۱۳۹۵، ص ۱۱۰-۱۳۱



در جست‌وجوی مزارع مسکون اربابی دوره قاجار در نیاسر

حسین راعی*

چکیده:

موضوع تحقیق، مزارع مسکون تاریخی است که با مزارع غیرمسکون و کشاورزی، تفاوت اساسی دارد. کاشان (قاسان) در گذشته مزارع و روستاهای متعددی داشته؛ از جمله نیاسر که نام آن در اسناد تاریخی، جزو یکی از ضیعات قاسان آمده است. این پژوهش توانست ۲۷ باب مزرعه مسکون را براساس این اسناد شناسایی کند. مطالعات در سه قالب نگرش سنجی، مطالعات کالبدی و سندپژوهی بر روی مزارع شناسایی شده، ادامه یافت و معیارهای شش‌گانه‌ای نیز برای تدقیق، ملموس‌سازی و جهت‌دهی به تحقیق تعیین شد؛ و با اتکا به آن‌ها مزارع مسکون تاریخی اربابی نظیر سوراآباد، بالاعباس‌آباد، بارونق، خنچه، اتابکی، خاتون و لنگان انتخاب شدند. هفت مزرعه مطالعه‌شده در حومه و درون حریم نیاسر واقع شده‌اند و دارای شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با یکدیگرند.

پاسخ به سؤالاتی همچون زمان ظهور و نضج مزارع و همچنین میزان تأثیرگذاری آن‌ها بر امور مختلف جاری در قرون مختلف، نیازمند تحقیق و پژوهش کامل‌تری است اما پاسخ به مواردی چون نحوه تمیز مزارع مسکون اربابی با سایر مزارع و مجتمع‌های زیستی نیاسر، در این مقاله مورد چالش قرار گرفته است. نتیجه مطالعات پیش‌رو نشان می‌دهد که این مزارع قابل تمیز و شناخت هستند و در اقصی نقاط کشور براساس نیاز اربابان و رعیت‌ها برای پاسخگویی به مسائل اقتصادی و امنیتی کشور برپا می‌شدند و شکل‌گیری و حفاظت و اضمحلال آن‌ها نیز تابعی از مسائل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، امنیتی، زیست‌محیطی و اقلیمی بود. همه موضوعات اشاره‌شده مانند سرفصلی کوچک، از یک موضوع پژوهشی بزرگ است که نیازمند مکاشفه و تفسیر بیشتر اسناد تاریخی، حقوقی و قضایی در کنار بررسی میدانی و نگرش سنجی است.

کلیدواژه‌ها: مزارع مسکون تاریخی، اربابی، قاجار، نیاسر، معیار.

* پژوهشگر دکتری مرمت معماری، دانشگاه هنر اصفهان / hoseinraie@gmail.com

پژوهش‌نامه کاشان
شماره هشتم (پیاپی ۱۶)
بهار و تابستان ۱۳۹۵



۱۱۰

•
•
•
•
•
•
•

مقدمه

موضوع پژوهش، مزارع مسکون تاریخی است که با مزارع غیرمسکون و کشاورزی، تفاوت اساسی دارد. این نوع مزارع به دو صورت مستقل و تابعه، در سراسر کشور به صورت پراکنده وجود داشتند و با توجه به اقلیم، با عناوینی چون مزرعه، کلاته، دولاب، قلاع و مجموعه‌های کشتخوانی و...^۱ در جوامع بومی شناخته می‌شدند و حتی در شکل نیز تا حدی با یکدیگر متفاوت بودند. منابع و اسناد تاریخی مختلف نیز بر این موضوع صحنه می‌گذارد و نشان می‌دهد که تعدد و پراکندگی آن‌ها به‌ویژه در مناطق مرکزی، جنوب، شرق و جنوب شرقی کشور فراوان است.



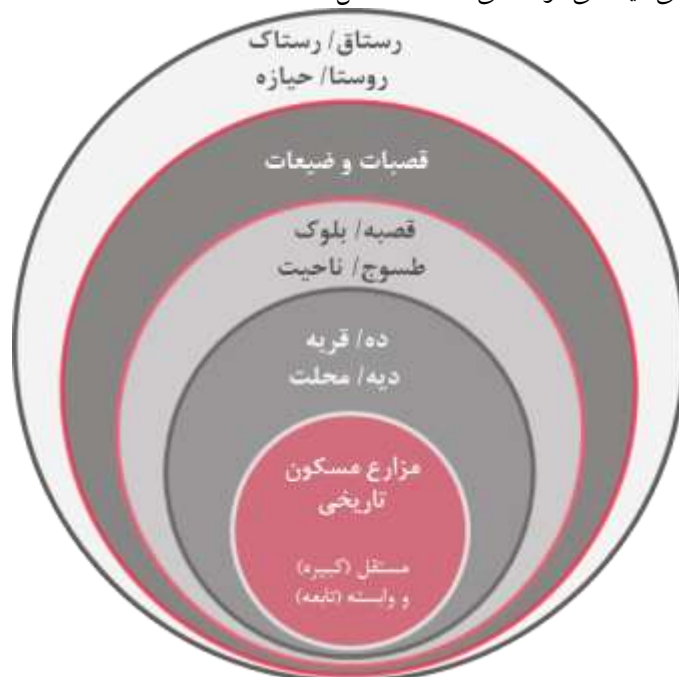
در جست‌وجوی
مزارع مسکون
اربابی دوره
قاجار دریا



•
•
•
•
•
•
•

شکل ۱: موقعیت و پراکندگی مزارع مسکون تاریخی در نقشه جغرافیایی ایران

بر اساس اسناد مکتوب، مزرعه به صورت مستقل، بخشی از ضیعات یک قصبه محسوب می شود و به صورت وابسته یا تابعه، بخشی از ضیعات یک ده به حساب می آید و گاهی در شمایل یک ده، در اسناد تاریخی دیده می شود (قمی، ۱۳۸۵) (شکل ۲).



شکل ۲: جایگاه مزارع در نظام دسته بندی مجتمعی روستایی (قمی، ۱۳۸۵)

در منابعی چون مالک و زارع در ایران اثر لمبتون (۱۳۴۵)، وضع ملت و دولت و دربار در دوره شاهنشاهی ساسانیان اثر آرتور کریستن سن (۱۳۷۴)، جامعه شناسی روستایی اثر طالب و عنبری (۱۳۸۷)، شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان اثر پیگولوسکایا (۱۳۶۷) و... پیدایش و آفرینش مزارع مسکون را از دوره هخامنشیان، پارتیان و ساسانیان در پیش از اسلام تا اوایل قرون اسلامی، سلجوقیان، ایلخانیان، تیموریان، صفویان، قاجار و حتی پهلوی در دوره اسلامی دانسته اند. بنابراین، موضوع مزارع با حوزه های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، مذهبی و امثال آن در دوره های مختلف تاریخی، درهم تنیده بود و برهم تأثیر و تأثر داشتند.

در نوشته های نیکزاد امیرحسینی (۱۳۵۶)، جامع مفیدی (مستوفی، ۱۳۴۲)، جامع الخیرات (حسینی یزدی، ۱۳۴۱)، یادگارهای یزد، ج ۲ و ۳ (افشار، ۱۳۷۴)؛ تاریخ جدید یزد (کاتب، ۱۳۴۵)، میراث فرهنگی نطنز، آثار تاریخی، آداب، سنت ها و تاریخ نطنز (اعظم واقفی، ۱۳۷۴) بسیاری از مزارع مسکون و غیرمسکون را بخشی از یک روستا یا قریه دانسته اند که تحت مالکیت یا در تیول

حاکمان محلی بود و از طرف شخص شاه به آن‌ها، در ازای خدمتی ویژه، در قالب نظام‌هایی چون تیول و اقطاع (اقطاع التملیک و اقطاع الاستغلال) برای سامان‌دهی امور دیوانی و لشکری واگذار می‌شد. این موضوع را اعتمادالسلطنه (۱۳۶۸: ج ۱-۴)، طالب و عنبری (۱۳۸۷)، حکمت یغمایی (۱۳۶۹)، پولاک (۱۳۶۱)^۲ و فرمانفرما (۱۳۸۳) نیز تشریح کرده^۳ و نشان داده‌اند که بخش اعظمی از شاکله اقتصادی، سیاسی و اداری مملکت تا دوره پهلوی با توجه به فراگیر بودن نظام وقف به مزارع و محصولات آن‌ها وابسته بوده است و گاهی موجبات شکل‌گیری و توسعه مجموعه‌ای از رقبات و موقوفات در یک نقطه را فراهم می‌کرد.^۴

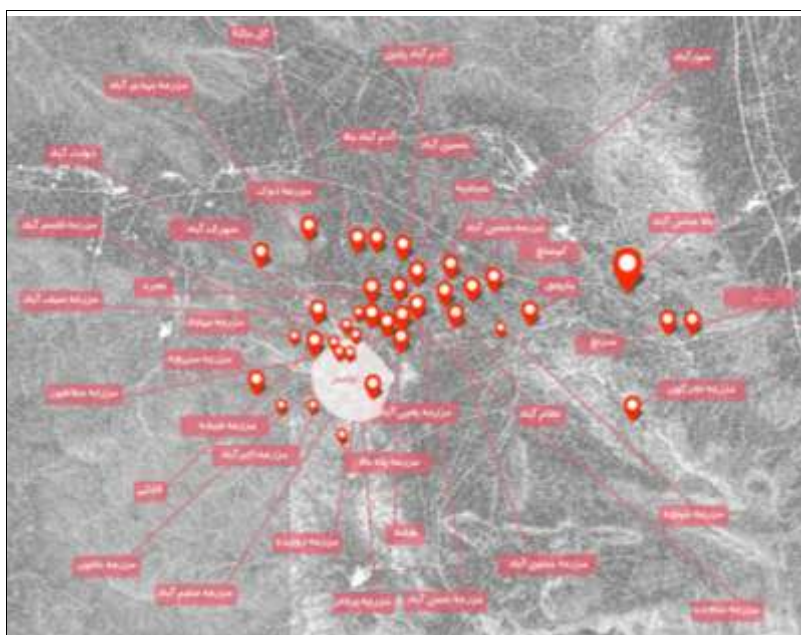
۱. مزارع مسکون اربابی نیاسر در دوره قاجار

کاشان در گذشته دارای مزارع و روستاهای متعددی بوده است: مزرعه وقفی اصل شهر ۷ باب، مزارع حومه ۱۶ باب، قراء گرمسیر و مزارع ۱۸۲ باب، قراء سردسیر و مزارع ۱۹۲ باب. (کلاتر ضرابی، ۱۳۳۵: ۱۳۱) نیاسر نیز در گذشته، روستایی در رستاق قاسان یا کاشان بود (قمی، ۱۳۸۵: ۱۷۱). در بسیاری از منابع، به‌ویژه تاریخ قم، مزارع نیاسر معرفی شده‌اند. عبدالرحیم کلاتر ضرابی نیز در کتاب تاریخ کاشان، درباره نیاسر که در دوره قاجار، روستا بوده و در تیول متعلقه حاجی سیف‌الدوله قرار داشته، توضیحاتی آورده و ضمن تعریف مزرعه، مزارع تابعه و خراج دیوانی آن را برشمرده است.^۵ او در ادامه، مزارع مسکون نیاسر را در دوره قاجار، ۳۷ باب معرفی می‌کند که بسیاری از آن‌ها هم‌اکنون وجود دارند.^۶

این پژوهش براساس اسناد مذکور، به شناسایی میدانی مزارع موجود در محدوده مورد اشاره پرداخت. اما با توسل به پیمایش میدانی، توانست ۲۷ باب مزرعه مسکون را شناسایی کند که در برخی اسامی با مزارعی که کلاتر ضرابی به آن‌ها اشاره کرده است، مشترک بوده و در برخی دیگر متفاوت. عناوین مزارع شناسایی شده عبارت‌اند از: ۱. حسامیه، ۲. بارونق، ۳. سنجده، ۴. خنچه، ۵. سلخ نو، ۶. نظام‌آباد، ۷. سلیم‌آباد، ۸. هیرمند، ۹. آدم‌آباد بالا، ۱۰. آدم‌آباد پایین، ۱۱. پاچنار، ۱۲. اتابکی، ۱۳. ده زیرین، ۱۴. دوک، ۱۵. حسن‌آباد، ۱۶. حسین‌آباد، ۱۷. هشه، ۱۸. حسین‌آباد آقا رحمت، ۱۹. بالا عباس‌آباد، ۲۰. خاتون، ۲۱. سوراآباد، ۲۲. لنگان، ۲۳. سرنج، ۲۴. کوسنج، ۲۵. خانکه، ۲۶. نصرت‌آباد، ۲۷. سریچه.

شناسایی ۲۷ باب مزرعه مسکون حومه نیاسر (نک: شکل ۳) با دقت ویژه‌ای، با خوانش اسناد مکتوب و با کمک اسناد شفاهی، مصاحبه با پیران و گاه مصاحفه با آنان انجام شد؛ برای مثال، یکی از پیران محلی، عمورمضان‌زاده بود که ساعت‌ها پرسش و پاسخ با او، توانست علاوه بر معرفی مزارع مسکون، نظام اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی حاکم بر مزارع را نیز روشن‌تر کند. البته تمییز آنچه را که بوی افسانه می‌داد با بخشی از گفته‌های ایشان که به واقعیت نزدیک‌تر بود، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین چالش‌های پژوهش میدانی، همواره مطرح بوده است.

آدمیانی که در هریک از مزارع مسکون، به‌عنوان کارگر یا مالک کنونی مشغول به فعالیت بودند، نیز از این موارد مستثنی نبودند. علاقه به ذکر داستان‌ها و نقل‌قول‌های گذشتگان، اشرار، اربابان و رویدادهای پیشین و جاری در مزارع، در پاسخ‌های آن‌ها موج می‌زد. همه داشته‌ها و گفته‌های آن‌ها مستند شد. اما برای دستیابی به اطلاعات وسیع‌تر که از نیازهای اساسی پژوهش محسوب می‌شد، می‌بایست علاوه بر رویدادها، به کالبد مزارع نیز توجه کرد. بسیاری از نادانسته‌ها در قالب احجام صلبی پنهان بود و البته آماده رمزگشایی.



شکل ۳: الگوی پراکنندگی مزارع مسکون شناسایی شده در حومه نیاسر

بنابراین تصمیم بر آن شد که موقعیت ۲۷ باب مزرعه اشاره شده با استفاده از عکس‌های هوایی شناسایی شوند. با کنار یکدیگر قرار دادن آن‌ها مشخص شد که مکان‌یابی مزارع یک قریه در گذشته، به دلایل ویژه‌ای می‌توانست از یک نظام مشخصی تبعیت کند؛ البته این نظام را آب، امنیت، زمین و محدوده‌های مالکیتی مشخص می‌کرد. علاوه بر آن، حدود و ثغور همه مزارع با دقت ۱/۲۰۰۰ نقشه‌برداری شد. در این بخش، محرز شد که هر مزرعه مسکون می‌توانست چند هکتار مساحت داشته باشد یا شامل چه عناصر خدماتی باشد؟ همه عناصر موجود در مزارع با دقت ۱/۱۰۰، ۱/۵۰ و گاهی با جزئیات ۱/۲۰ رولوه و برداشت شدند و این امکان فراهم شد تا با تولید نقشه‌های جدید در مقیاس‌های مناسب، به دانش تحقیق درخصوص کاربری‌ها و عملکردها افزوده شود.

البته مطالعات در سه قالب مشخص ادامه یافت: قالب نخست، نگرش سنجی، مصاحبه و پرسش و پاسخ میدانی با جامعه آماری مشخص؛ قالب دوم، مطالعات عمیق کالبدی به صورت میدانی؛ قالب سوم، سندپژوهی که در این خصوص علی‌رغم کمبود منابع مستقیم، سعی شد بیش از یکصد منبع مکتوب و مستند فارسی و ده‌ها سند مکتوب انگلیسی دیده شود. این سه قالب در یک مسیر مشخص به کار برده شدند و تقریباً سعی شد بر یکدیگر هم‌پوشانی داشته باشند. در ادامه، لایه‌های تاریخی ناشناخته بر روی ۲۷ باب مزرعه، با رویدادهایی که در اسناد مکتوب و شفاهی به آن اشاره شد، تطبیق داده شده و به نتایج قابل‌اشاره‌ای رسید.

۱-۱. معیارهای شناسایی مزارع مسکون اربابی دوره قاجار در نیاسر

مطالعات میدانی و سندپژوهی در نیاسر نشان داد که مزارع مسکون نیاسر در این محدوده، علاوه بر پیشینه حضور در اسناد تاریخی، به دلیل غنای معماری، الگوی پراکندگی، تعدد و قرابت مکانی نسبت به یکدیگر (حضور بیش از ده‌ها مزرعه در شعاع دوازده کیلومتری)، تنوع شکلی و عملکردی و تجربه پژوهش بر روی آن‌ها در گذشته، می‌تواند به‌عنوان نماینده بخشی از مزارع مسکون تاریخی مناطق مرکزی ایران، مورد پژوهش قرار گیرد. البته کمتر می‌توان در یک نقطه از کشور، این تعداد مزارع سالم و نیمه‌سالم را در یک محدوده پیدا کرد.

در اسناد تاریخی، مزارع مسکون نیاسر با مالکیت‌های مختلف دیده می‌شوند: شخصی، خالصه، دیوانی و وقفی (که البته به نوعی، بهره‌برداری محسوب می‌شود تا مالکیت). مزارع مسکون شخصی نیز به دو دسته اربابی و رعیتی تقسیم می‌شوند. بدیهی است پژوهش درباره همه مزارع شناسایی شده، نیازمند زمان و دقت بیشتری است. بنابراین، بنا و اساس پژوهش، روی شناسایی و معرفی تعدادی از مزارع مسکون اربابی دوره قاجار نیاسر گذاشته شد و معیارهایی نیز برای تدقیق و ملموس‌سازی و جهت‌دهی به تحقیق تعیین شد. شناخت بر پایه مطالعات میدانی، سندپژوهی و نگرش سنجی در مزارع نیاسر، به تدوین مجموعه معیارهایی به نام معیارهای شش‌گانه منجر شد تا بتوان با اتکا به آن‌ها، تا حدودی به مزارع مسکون اشاره‌شده دست یازید (نک: شکل ۴).

۱-۱-۱. تشریح معیارهای شش‌گانه

الف. استقرار (حضور عناصر کالبدی)

اولین و مهم‌ترین معیار برای شناسایی مزارع مسکون اربابی، وضعیت استقرار و مسکون بودن آن‌هاست؛ به این معنی که یک مزرعه، باید علاوه بر زمین کشاورزی، دارای مستحدثات مسکونی و خدماتی و مذهبی باشد. بررسی‌های میدانی در ۲۷ مزرعه نیاسر نشان می‌دهد که همه مزارع، مسکون و دارای عناصر کالبدی هستند و آب و زمین، دو عنصر اصلی مزارع مسکون در کنار عناصر کالبدی به حساب می‌آیند. در واقع، حیات و زندگی در مزارع، به این دو عنصر وابسته است.



شکل ۴: معیارهای شش گانه شناسایی مزارع مسکون اربابی

نود درصد از ۲۷ باب مزرعه مطالعه شده دارای آب چشمه، برکه و قنات و ۸۲ درصد دارای زمین زراعی، باغ و درختان کهنسال هستند؛ کمتر از ۱۰ درصد آن‌ها هم در معرض نابودی قرار دارند. هر مزرعه‌ای که توانسته است آب موردنیاز زراعت را تأمین کند، از عناصر طبیعی باغی و زراعی نیز بهره‌مند بوده است. جدول ۱ نشان می‌دهد که پس از این عناصر، ساخت‌مایه‌های مذهبی از قبیل مسجد و حسینیه در مزارع مسکونی تاکنون سالم‌تر باقی مانده‌اند. این عناصر در ۲۵ درصد از مزارع وجود دارد. بدیهی است که اغلب مزارع مسکون بزرگ مانند بالاعباس آباد، بارونق، اتابکی، خاتون، سوراآباد و کوسنج با توجه به جمعیت ثابت و شناور مستقر در آن و ماهیت مذهبی و دینی جوامع بومی در دوره‌های تاریخی اشاره شده، نمازخانه و مسجد و حسینیه نیز داشته‌اند. در اغلب مزارع کبیره، مسجد یکی از پایگاه‌های مذهبی و اجتماعی و سیاسی به‌شمار می‌رفت (حکمت یغمایی، ۱۳۶۹: ۱۰۵). علاوه بر آن، هر مزرعه کبیره دارای قاضی و کدخدا و ضابط و مالک بوده است (فرمانفرما، ۱۳۸۳: ۱۸۱). در ۱۴ درصد از مزارع مسکون مطالعه شده، عناصری مانند آب‌انبار و حمام از ویرانی در امان مانده‌اند. این موضوع نشان می‌دهد که یک مزرعه مسکون، در واقع یک مجتمع زیستی کوچک و مستقل است که در برخی موارد خودکفا نیز بوده است. استفاده از حمام و مصنعه (آب‌انبار) در یک مزرعه، نشان‌دهنده وجود جمعیت ثابت در آن است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۸). عناصر دیگری مانند برج دیده‌بانی، آسیاب و کنده ۷ در ۷ درصد از مزارع مسکون مورد مطالعه وجود دارند و به‌نوعی در ردیف عناصر خدماتی قرار می‌گیرند.

ب. سندیت تاریخی (حضور در اسناد تاریخی مکتوب)^۸

سندپژوهی یکی از ابزارهای پژوهش دربارهٔ مزارع مسکون تاریخی است. بدیهی است وفاداری به اسناد مکتوب و تاریخی، می‌تواند به سندیت پژوهش کمک کند. در این پژوهش، به هر مجتمع زیستی، مزرعه اطلاق نمی‌شود؛ عنوان مزرعه به مکان‌هایی داده خواهد شد که در اسنادی مانند کتب تاریخی، جغرافیای تاریخی، سفرنامه‌ها و اسناد حقوقی (وقف‌نامه‌ها، قباله‌ها و امثال آن) با عنوان «مزرعه» به آن‌ها اشاره شده باشد. بنابراین از بین ۲۷ باب مزرعه شناسایی شده (جدول ۱) تعداد ۱۵ باب سندیت دارد؛ زیرا در اسناد مختلف تاریخی به آن‌ها اشاره شده است و ۱۲ باب دیگر از این منظر قابل قبول نیستند.

ج. تعلق تاریخی (دورهٔ قاجاریه و پیش از آن)

مزارع مسکونی که تاریخی و مربوط به دورهٔ قاجاریه و پیش از آن باشند، به دلیل الحاقات کمتر و سندیت بیشتر، مورد مطالعه و بررسی قرار خواهند گرفت. بنابراین ۱۸ باب مزرعه در تدقیق با این معیار انتخاب شده‌اند.

د. مالکیت اربابی

در اوایل دورهٔ اسلامی تا دورهٔ قاجار در ایران، مزارع مسکون به‌عنوان اقطاع، تیول، سیورغال و یا عطیه به دیوانیان و لشکریان واگذار می‌شد. مزارع در این ادوار به دو صورت مستقل و تابعه و با مالکیت‌های چهارگانه (شاهی یا خالصه، دولتی یا دیوانی، وقفی و شخصی) وجود داشتند (فوران، ۱۳۷۸: ۵۷). مزارع شخصی دارای ارباب و رعیت بودند و به همین دلیل به برخی مزارع، اربابی و برخی دیگر رعیتی گفته می‌شد. از میان ۲۷ باب مزرعهٔ مسکون نیاسر، ۱۳ باب اربابی است.

و. سرزندگی نسبی (حضور جمعیت ثابت و شناور در مزارع)

معیار سرزندگی نسبی، معیار بسیار مهمی است. ۲۴ باب مزرعه در اطراف نیاسر، هنوز دارای منبع و مظهر آب در قالب چشمه، قنات و رودخانه هستند و استفاده از آن، با قاعده و در برخی موارد با آیین ویژه‌ای همراه بوده است (مستوفی، ۱۳۴۰). علاوه بر آن، ۱۲ باب مزرعه دارای جمعیت ثابت و شناورند و به‌طریقی، زندگی در آن‌ها جریان دارد. اغلب ساکنان آن‌ها رعیت‌ها و مالکانی هستند که به کشاورزی و تفرج مشغول‌اند.

ی. وضعیت کالبدی پایدار (سالم یا نیمه‌سالم)

سالم بودن عناصر به‌لحاظ کالبدی، نشان‌دهندهٔ ثبات نسبی در نظام‌های جاری در مزارع است؛ به این معنی که حضور جمعیت و آب باعث رونق کشاورزی، حفاظت از کالبد عناصر و درنهایت سرزندگی و شادابی خواهد شد. در ۲۲ باب مزرعه‌ای که آب در آن‌ها وجود دارد، پایداری عناصر نیز بیشتر است و به همین نسبت، حضور جمعیت نیز ملموس‌تر است.

جدول ۱: شناسایی مزارع مسکون اربابی از طریق سنجش با معیارهای شش گانه

ردیف	مزرعه مسکون	استقرار (حضور عناصر کالبدی)									
		زمین / باغ / درختان کهنسال	کلده	آب آبار	برج دیدبانی	آب / قنات / چشمه / سلخ / خانه و قلاع اربابی و رعیتی	حصینیه / مسجد	حمام	آسیاب	تعلق تاریخی	سردستگی نسبی
		مالکیت اربابی	(وجود جمعیت ثابت یا شناور)	(دوره قاجاریه و پیش از آن)	(حضوری در اسناد مکتوب)	سندیت تاریخی (سالم یا نیمه سالم)	وضعیت پایدار کالبدی	مزارع شناسایی شده			
۱	ده زیرین	*							*	*	*
۲	بالاعباس آباد	*		*		*			*	*	*
۳	بارونق	*	*			*			*	*	*
۴	سنجد					*			*		
۵	خنجه	*	*			*			*	*	*
۶	سلخ نو		*			*			*	*	*
۷	نظام آباد		*			*			*	*	*
۸	سلیم آباد		*			*			*	*	*
۹	هیرمند		*			*			*	*	*
۱۰	آدم آباد بالا					*			*	*	*
۱۱	آدم آباد پایین			*		*			*	*	*
۱۲	پاچنار		*			*			*	*	*
۱۳	اتابکی	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۱۴	دوک		*			*	*	*	*	*	*
۱۵	حسن آباد		*			*	*	*	*	*	*
۱۶	حسین آباد		*			*	*	*	*	*	*
۱۷	هشه		*	*		*	*	*	*	*	*
۱۸	خاتون	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۱۹	سور آباد	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۲۰	لنگان	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۲۱	سرنج		*			*	*	*	*	*	*
۲۲	کوستج		*	*	*	*	*	*	*	*	*
۲۳	خانکده		*	*	*	*	*	*	*	*	*
۲۴	نصرت آباد		*			*	*	*	*	*	*
۲۵	سریچه		*	*	*	*	*	*	*	*	*
۲۶	حسین آباد آقا رحمت		*			*	*	*	*	*	*
۲۷	حسامیه	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*



شکل ۵: موقعیت مزارع مسکون اربابی دوره قاجار در عکس هوایی نیاسر، ۱۳۸۷ش



مزرعه سورآباد



مزرعه لنگان



مزرعه خنچه



مزرعه بالا عباس آباد



مزرعه اتابکی






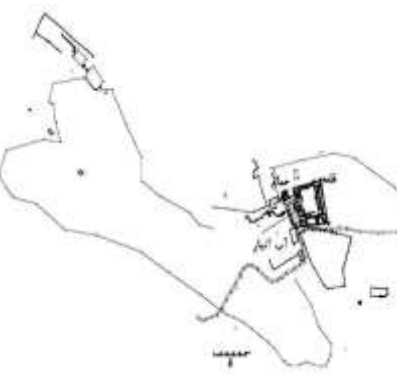



مزرعه بارونق

در جست‌وجوی
مزارع مسکون
اربابی دوره
قاجار در نیاسر

شکل ۶: پلان موقعیت مزارع مسکون اربابی شناسایی شده (کتابخانه و مرکز اسناد پایگاه میراث فرهنگی و

گردشگری شهر تاریخی نیاسر، ۸۷-۱۳۸۴)

مزرعه مسكون خنچه	مزرعه مسكون بالا عباس آباد	مزرعه مسكون سورا باد
		
مزرعه مسكون خاتون	مزرعه مسكون بارونق	
		
مزرعه مسكون لنگان	مزرعه مسكون اتابكي	
		

پژوهش نامه کاشان
شماره هشتم (پیاپی ۱۶)
بهار و تابستان ۱۳۹۵



•
•
•
•
•
•
•

۲. یافته‌ها در هفت مزرعه مسکون اربابی دوره قاجار در نیاسر

همان‌گونه که در صفحات پیشین تشریح شده است، انتخاب هفت مزرعه اربابی براساس شش معیار، در دستور کار پژوهش قرار گرفت و مزارع سوراآباد، بالاعباس آباد، بارونق، خنچه، اتابکی، خاتون و لنگان انتخاب شدند. این مزارع، مورد مطالعات میدانی دقیق‌تری قرار گرفتند، موضوع با اهمیت، هسته‌های اصلی و عناصر کالبدی موجود و باقی در مزارع بود. (نک: شکل ۵۶) این اشکال، توپوگرافی و نسبت‌های شکل‌گیری مزارع در همکناری با محیط اطراف را نشان می‌دهند، گاه با فرم خطی در کنار رودخانه به وجود می‌آیند و گاه به دور چندین مظهر چشمه، حلقه می‌زنند و به تدریج گسترش پیدا می‌کنند. آب و زمین، جزو جدایی‌ناپذیر مزارع و قلعه‌های کشتخوانی در ردیف عناصر اصلی، خودنمایی می‌کند. براساس اشکال یادشده و آنچه در جداول ۲ تا ۴ آمده است، یافته‌ها در هر مزرعه، به‌طور جداگانه و تفصیلی، مورد بررسی قرار گرفته است. در ادامه، به تشریح واژگانی که در جداول مورداستفاده قرار می‌گیرد، پرداخته می‌شود.

۱-۲. قابلیت‌ها

مجموعه نظام‌ها و ارزش‌های موجود در مزارع مسکون، قابلیت نامیده می‌شود. قابلیت‌ها به دو دسته کالبدی و کارکردی تقسیم می‌شود و با روش نگرش‌سنجی، مطالعات میدانی و سندپژوهی در قالب جداول زیر مطالعه خواهد شد.

۱-۲-۲. قابلیت کالبدی

بخشی از مجموعه قابلیت‌ها در این تحقیق است که شامل ظرفیت ذاتی مزارع مسکون در نظام‌های کالبدی، معماری و حفاظت می‌شود.

الف. نظام کالبدی، معماری و حفاظت

این نظام، بخشی از قابلیت کالبدی است که به موقعیت مزارع، دوره شکل‌گیری، عناصر کالبدی موجود، تأسیسات زیربنایی، الگوی ساخت، مصالح و تزیینات و مساحت کل می‌پردازد.

۲-۲-۲. قابلیت کارکردی

بخشی از مجموعه قابلیت‌ها در این تحقیق است که شامل ظرفیت ذاتی مزارع مسکون در نظام‌های اقتصادی و بهره‌برداری، اجتماعی و فرهنگی می‌شود.

الف. نظام اقتصادی و بهره‌برداری

این نظام، بخشی از قابلیت کارکردی است که به نوع محصولات کشاورزی و زراعت، نوع دام، نوع بهره‌برداری، میزان فعالیت و نوع مالکیت می‌پردازد.

ب. نظام اجتماعی و فرهنگی

این نظام، بخشی از قابلیت کارکردی است که به نوع و میزان جمعیت، میزان فعالیت، صنایع رایج، وقایع و اتفاقات، طایفه، قوم، دین، مذهب، زبان، گویش و پوشش در مزارع هفت‌گانه می‌پردازد.

در جست‌وجوی

مزارع مسکون

اربابی دوره

قاجار در نیاسر



جدول ۲: معرفی قابلیت‌های کالبدی در مزارع منتخب مسکون اریایی دوره قاجار در نیاسر

ردیف	مزرعه مسکون	موقعیت (میزان فاصله از نزدیک‌ترین مجتمع زیستی)	دوره شکل‌گیری	عناصر کالبدی موجود	تأسیسات زیربنایی	الگوی ساخت	مصالح و تزیینات	مساحت کل	برداشت
۱	سورآباد	۵۱°۱۱'۱۶" طول و ۳۳°۵۹' عرض جغرافیایی و ۱۳۹۸ متر از سطح دریا ارتفاع دارد. فاصله با نیاسر (میدان گل‌ها) ۵۶۳۳ متر	دوره قاجار با الحاقات دوره‌های پهلوی و معاصر	قلعه اریایی، ۲ قلعه رعیتی، خانه صورتی، میرزا حسین خان پارسا، خانه دشتی، حمام، حسینیه، سلخ، قنات متروکه، درخت سرو قدیمی	جاده، آب، برق، تلفن، گاز	دست‌ساز و مجموعه کشتخوانی	سنگ، غوره‌گل، چینه، خشت، آجر، چوب، گچ، آهک، کاهگل، سیمگل، تزیینات گچی	تقریباً ۱۰ هکتار	آب و سرزندگی وجود دارد. به جز خانه‌های دشتی، صورتی و برخی خانه‌های اطراف سلخ، مابقی فضاها تبدیل به آغل احشام شده است و نیمه‌فعال است.
۲	بالاعباس آباد	۵۱°۱۵'۱۵" طول و ۵۹°۳۳' عرض جغرافیایی و ۱۲۱۱ متر از سطح دریا ارتفاع دارد و با کاشان (میدان راوند) ۸۹۲۷ متر فاصله دارد.	دوره قاجار با الحاقات دوره‌های پهلوی و معاصر	قنات ۲۴۰۰ متری، قلعه اریایی بالا، قلعه پایین رعیتی، حمام، آسیاب، آب‌نبار، حسینیه، کوره آجرپزی، خانه اریایی درودگر، خانه اریایی اعتماد، خانه اریایی نجفی، خانه اریایی اسلامی	جاده، آب، برق، تلفن، گاز	دست‌ساز کشتخوانی	آجری، کاشی‌کاری، رهنمایی، تاق‌بندی، رسمی بنای، کاربندی و ویلته بنای	تقریباً ۳۵ هکتار و تقریباً ۳۰۰ هکتار زمین زراعی دارد.	آب وجود دارد و قنات قابل احیاست. به جز خانه‌های نجفی، درودگر، اعتماد و اسلامی، که زندگی در آن‌ها جریان دارد، مابقی از جمله قلعه رعیتی، در حال ویرانی هستند. در مجموع نیمه‌فعال است.
۳	باروتق	۵۱°۱۴'۰۸" طول و ۳۳°۵۹' عرض جغرافیایی و ۱۲۵۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد.	دوره قاجار با الحاقات دوره‌های پهلوی و معاصر	قلعه بالا اریایی، قلعه پایین رعیتی، قلعه در آسیاب، خانه اریایی شیخ الاسلام، آسیاب، حمام و مسجد	جاده، آب، برق، تلفن، گاز	دست‌ساز کشتخوانی		تقریباً ۱۳ هکتار	با توجه به کاهش جمعیت در سال‌های اخیر، قنات اریایی در حال ویرانی است؛ اما سایر عناصر کالبدی که زندگی در آن‌ها جریان دارد، حفظ شده‌اند. آب و سرزندگی وجود دارد و در تابستان‌ها ییلاقی است.
۴	خنچه	در ۵۱°۱۳'۲۸" طول و ۳۳°۵۹'۱۲" عرض جغرافیایی متر از سطح دریا و ۱۳۰۶ ارتفاع دارد و به فاصله ۱۵۵۹ متری از مزرعه باروتق	دوره قاجار با الحاقات دوره‌های پهلوی و معاصر	قلعه اریایی، خانه‌های اریایی، قنات و سلخ	جاده، آب، برق، تلفن	دست‌ساز و مجموعه کشتخوانی		تقریباً ۲ هکتار	این مزرعه در دهه ۶۰ شمسی به دلیل خشکالی، متروکه می‌شود. هم‌اکنون یک خانوار ساکن ثابت دارد و در تابستان‌ها ییلاقی است. به دلیل وجود آب، سرزندگی وجود دارد، اما عناصر کالبدی در حال ویرانی و نوسازی هستند.
۵	اتابکی	در ۵۱°۰۹'۱۵" طول و ۳۳°۵۸'۵۳" عرض جغرافیایی و ۱۵۳۸ متر از سطح دریا ارتفاع دارد و به فاصله ۹۱۰ متری از شهر نیاسر	دوره قاجار با الحاقات دوره‌های پهلوی و معاصر	قنات، قلعه اریایی، جلالی، قلعه اریایی، آفتاب، قلعه رعیتی، حمام، سلخ	جاده، آب، برق، تلفن، گاز	دست‌ساز و مجموعه کشتخوانی	سنگ، غوره‌گل، چینه، خشت، آجر، چوب، گچ، آهک، کاهگل، سیمگل، تزیینات گچی و آجری، کاشی‌کاری، رهنمایی، تاق‌بندی، رسمی بنای	تقریباً ۴ هکتار	ویژگی شاخص این مزرعه وجود آب، قنات، منظر طبیعی زیبا و نزدیکی به نیاسر است. این مزرعه در حال مرمت است.
۶	خاتون	در ۵۱°۱۰'۰۳" طول و ۳۳°۵۸'۳۳" عرض جغرافیایی و ۱۵۱۸ متر از سطح دریا ارتفاع دارد. فاصله این مزرعه تا شهر تاریخی نیاسر (بخشداری) از مسیر پیاده ۱۱۰۰ متر است.	دوره قاجار با الحاقات دوره‌های پهلوی و معاصر	قنات، سلخ، خانه اریایی مسگری، کوشک آریان پور، مسجد و چندین خانه رعیتی.	جاده، آب، برق، تلفن، گاز	مجموعه کشتخوانی	سیمگل، تزیینات گچی و آجری، کاشی‌کاری، رهنمایی، تاق‌بندی، رسمی بنای	تقریباً ۳ هکتار	مزرعه خاتون هم‌اکنون بخشی از شهر شده و هویت خود را از دست داده است. عناصر تاریخی آن مانند خانه آریان‌پور و مسگری در حال ویرانی هستند و عناصر جدید فراوانی به آن اضافه شده است.

پژوهش‌نامه کاشان
شماره هشتم (پیاپی ۱۶)
بهار و تابستان ۱۳۹۵



قابلیت کالبدی/ نظام کالبدی و معماری									
ردیف	مزرعه مسکون	موقعیت (میزان فاصله از نزدیکترین مجتمع زیستی)	دوره شکل گیری	عناصر کالبدی موجود	تأسیسات زیربنایی	الگوی ساخت	مصالح و تزئینات	مساحت کل	برداشت
۷	لنگان	۵۱۹۱۷۰۸" طول و ۳۴۰۰۰" عرض جغرافیایی واقع شده و ۱۲۰۱ متر از سطح دریا ارتفاع دارد.	دوره قاجار با الحاقات دوره‌های پهلوی و معاصر	قلعه رعیتی، آب انبار، حمام، درخت سرو، کهنسال و سلخ	جاده، آب، برق، تلفن	دسترسی کشتیخوانی	کاربن‌سادی ویزدی‌بنای	تقریباً ۶ هکتار	با توجه به اینکه جمعیت ثابت مزرعه در حال کاهش است، بناها نیز در حال ویرانی است. تسهیل در دسترسی از طریق جاده باعث شده که میزان دخل و تصرف در پهنه مزرعه بیشتر شود.

جدول ۳: معرفی قابلیت‌های کارکردی در مزارع منتخب مسکون اربابی دوره قاجار در نیاسر

قابلیت کارکردی/ نظام اقتصادی و بهره برداری							
ردیف	مزرعه مسکون	نوع بهره‌برداری	میزان فعالیت	نوع مالکیت	نوع محصولات کشاورزی و زراعت	نوع دام	برداشت
۱	سورآباد	خصوصی	نیمه‌فعال	اربابی: میرزا حسین‌خان پارسا و ورثه او مالک مزرعه حسن آباد نیز بود.	گندم، جو، یونجه، نخود و درختانی چون انار، انجیر، انگور، زردآلو، قیسی و...	یک واحد گاو‌داری با مالکیت علی مصوری	علی غم جمعیت اندک، وجود آب، محصولات کشاورزی و دام، نشان از نیمه‌فعال بودن مزرعه دارد. اغلب رعیت‌های شاغل در مزرعه، به کارگری در کارخانه‌های کاشان مشغول‌اند.
۲	بالعباس آباد	خصوصی	نیمه‌فعال	اربابی: جاج محمدرضا خانیان کاشانی، (خانواده های فلاح، اعتماد، معتمد، سامعی و نجفی ساکنان کنونی هستند).	گندم، جو، یونجه، غلات و درختانی چون: انار، توت، انجیر، انگور، زردآلو و...	گوسفند و بز	در مقایسه با دهه ۶۰ شمسی، با کم شدن جمعیت، از میزان کشت و کار و دامداری کاسته شده؛ اما در مقیاس موجود، فعال است. اغلب رعیت‌های شاغل در مزرعه، به کارگری در کارخانه‌های کاشان مشغول‌اند.
۳	بارونق	خصوصی، وقفی	نیمه‌فعال	اربابی: حسام‌السلام و شیخ‌السلام، میاثر، ارباب حبیب.	غلات، حیوانات، پریشم، انار و انجیر	گوسفند و بز	در مقیاس جمعیت موجود به لحاظ اقتصادی و بهره‌برداری، فعال است. اغلب مهاجرت و به شهرهای اطراف رفته‌اند.
۴	خنچه	خصوصی	کمتر از نیمه فعال	اربابی: ربیسی ورثه	انار، زردآلو، غلات، حیوانات و انجیر	گوسفند و بز	به دلیل خشکسالی در دهه‌های پیشین، رونق و بهره‌دهی را از دست داده است؛ اما به دلیل وجود آب و زمین حاصلخیز، قابلیت احیا دارد.
۵	اتابکی	خصوصی، وقفی	نیمه فعال	اربابی: ملا محمد نراقی از علمای متفکّر کاشان در اواخر دوره قاجار، اما در حال حاضر، فرزندان سرهنگ نراقی.	بادام، گردو، انار، گلستان گل محمدی، گندم، جو، لوبیا و چغندر	وجود ندارد.	علی‌رغم نبود جمعیت ثابت، به دلیل اینکه توسط ورثه (سرهنگ نراقی) در حال مرمت است، مورد بهره‌برداری اقتصادی (گلستان گل و گلاب) قرار گرفته و به‌عنوان محل ییلاقی و تفرجگاه نیز استفاده می‌شود.
۶	خاتون	خصوصی	نیمه‌فعال	اربابی: ابراهیم مسگری، خانواده کاشی، خاتون و خانواده آریان‌پور	گردو، انار، گلستان گل محمدی، گندم، جو و لوبیا	وجود ندارد	قابلیت‌های کشاورزی و باغداری را حفظ کرده، اما از دام‌خبری نیست. بیشتر به بخشی از ساختار شهری تبدیل شده است.
۷	لنگان	خصوصی	کمتر از نیمه‌فعال	اربابی	گندم، انار، زردآلو، غلات، حیوانات و انجیر و لوبیا	گوسفند و بز	کشاورزی رونق اندکی دارد و بیشتر در حال تبدیل به تفرجگاه است.

در جست‌وجوی

مزارع مسکون

اربابی دوره

قاجار در نیاسر



-
-
-
-
-
-
-

جدول ۴: معرفی قابلیت‌های کارکردی در مزارع منتخب مسکون اربابی دوره قاجار در نیاسر

قابلیت کارکردی / نظام اجتماعی و فرهنگی									
ردیف	مزرعه مسکون	نوع / میزان جمعیت	میزان فعالیت	صنایع رایج	وقایع و اتفاقات	طایفه / قوم	دین / مذهب	زبان / گویش / پوشش	برداشت
۱	سورآباد	ثابت، ۵ خانوار و ۲۰ نفر (در گذشته تقریباً ۱۰۰ نفر در قالب ۲۰ خانوار)	نیمه‌فعال	کشاورزی و دامپروری، قالی‌بافی در گذشته بوده اما با کم شدن جمعیت، صنایع دستی فعال نیست.	وقایع و اتفاقاتی درباره مهمانی‌ها و سورهایی که میرزا حسین‌خان پارسا در کنار سلخ بزرگ این مزرعه برگزار می‌کرده و همچنین نحوه مرگ او توسط اهالی نقل می‌شود پس از اصلاحات ارضی و همچنین پس از انقلاب، زمین‌های ارباب غصب می‌شود و هم‌اکنون تلاش‌های حقوقی برای بازپس‌گیری توسط ورثه در جریان است.	ارباب کاشانی و رعیت از اهالی جوشقان هستند.	اسلام و تشیع	فارسی با لهجه کاشانی / پوشش جدید است.	کمرنگ شدن بار جمعیتی، برافقون صنایع‌دستی تأثیر گذاشته؛ اما سنت‌ها هنوز حضور کمرنگ دارند. بسیاری از زمین‌ها توسط اهالی قواره‌بندی شده و در حال فروش برای ویلاسازی است.
۲	بالاعباس‌آباد	ثابت، ۱۳ نفر در قالب ۴ خانوار، در سال ۱۳۶۰، ۱۵۰ نفر در قالب تقریباً ۴۰ خانوار جمعیت داشته است.	نیمه‌فعال	کشاورزی و دامپروری، قالی‌بافی در گذشته فعال بوده اما با کم شدن جمعیت هم‌اکنون، صنایع‌دستی فعال نیست.	محل زندگی آقای بزرگ امام جماعت کاشان بوده و آب مزارع اطراف نیز از این مزرعه تأمین می‌شد. (مصاحبه با خسرو اعتماد، مزرعه عباس‌آباد، ۱۳۹۵)	اربابان کاشانی و نزاقی بودند و اهالی روستاهای اطراف بودند.	اسلام و تشیع	فارسی با لهجه کاشانی / پوشش جدید است.	مهاجرت در دهه‌های پیشین و بلا بودن سن ساکنین، باعث شده تا صنایع دستی محلی فعال نباشد؛ اما کشاورزی، دامداری و سنت‌های فرهنگی در زبان و آداب اجتماعی، هنوز حاکم است.
۳	باروتق	ثابت، ۲۰ خانوار.	نیمه‌فعال	قالی‌بافی، کشاورزی و دامپروری	داستان‌هایی درباره اربابان مزرعه که تابستان‌ها از کاشان به این مزرعه می‌آمدند، نقل می‌شود. این مزرعه، هرساله میزبان ییلاقی مزرعه نشینان قبلی است و مراسم مذهبی در آن برگزار می‌شود.	اربابان مزرعه، کاشانی بودند.	اسلام و تشیع	فارسی با لهجه کاشانی / پوشش جدید است.	هم‌اکنون به‌لحاظ اداری تبدیل به روستا شده، پوشش قدیمی وجود ندارد، سنت‌های فرهنگی و صنایع دستی در مقیاس جمعیت موجود، وجود دارد و محفل برگزاری رویدادهای مذهبی و آیینی است.
۴	خنچه	ثابت، یک خانوار.	کمتر از نیمه‌فعال	کشاورزی و دامپروری	این مزرعه، بخشی از مزرعه باروتق محسوب شده و اربابان باروتق آنرا زیر نظر داشتند.	اربابان مزرعه، کاشانی بودند.	اسلام و تشیع	فارسی با لهجه کاشانی / پوشش جدید است.	هم‌اکنون یک خانوار ساکن دارد و نظام اجتماعی و فرهنگی ضعیف شده و رو به نابودی است، فرهنگ شهری در حال حاکم شدن است.
۵	اتاپکی	در گذشته، ۳۵ نفر، اما هم‌اکنون دو خانوار ثابت و مابقی شناور	نیمه‌فعال	کشاورزی و باغداری	این مزرعه به‌عنوان سهم امام به ملا احمد نزاقی داده می‌شود و او وقف امیرالمؤمنین در نجف می‌کند. این مکان اولین گلستان نیاسر بود. (مصاحبه با قدمعلی کرمانی، مزرعه اتاپکی، ۱۳۹۵)	اربابان مزرعه، اصغرفهائی و نزاقی بودند.	اسلام و تشیع	فارسی با لهجه کاشانی / پوشش جدید است.	به‌دلیل اینکه جمعیت ثابتی ندارد و ییلاقی است، نظام اجتماعی و فرهنگی مطابق با گذشته ندارد.
۶	خاتون	به‌دلیل اینکه به بخشی از شهر تبدیل شده، جمعیت ثابت دارد.	نیمه‌فعال	کشاورزی و باغداری	سه یا پنج طاق آب قنات متعلق برای ابراهیم مسگری بوده و یک طاق متعلق به خاتون و نه طاق نیز به نام شجاع لشکر (نایب‌علی پسر نایب‌حسین کاشی) بود. به‌علت وجود این زن، مزرعه نام خاتون به خود می‌گیرد.	اربابان مزرعه، کاشانی بودند.	اسلام و تشیع	فارسی با لهجه کاشانی / پوشش جدید است.	نظام فرهنگی و اجتماعی شهری پیدا کرده و بیشتر به تفرجگاه تبدیل شده است.
	نگان	یک خانوار و هم‌اکنون ییلاقی است.	نیمه‌فعال	کشاورزی و باغداری	این مزرعه دارای منظر طبیعی بارز و شگفتی است.	اربابان مزرعه، کاشانی بودند.	اسلام و تشیع	فارسی با لهجه کاشانی / پوشش جدید است.	به‌دلیل اینکه جمعیت ثابت اندکی دارد و ییلاقی است، نظام اجتماعی و فرهنگی مطابق با گذشته ندارد.

پژوهش‌نامه
شماره هشتم بهار و تابستان ۱۳۹۵

۳. تشریح یافته‌ها

موقعیت مزارع مسکون براساس اقلیم و جغرافیا تعیین می‌شود. ایجاد مزرعه مستقل یا منظومه‌ای (گله‌ای) وابسته به توپوگرافی، آب، منابع انسانی و حاصلخیزی منطقه بوده و در بسیاری از مناطق به دلیل فراهم شدن و تداوم این عوامل، مزارع منظومه‌ای به وجود آمده است. مزارع مسکون، چه در صورت قلاع کشتخوانی و چه در صورت مجموعه‌های کشتخوانی، با توجه به موقعیت آب شکل می‌گرفتند و دارای فضاهایی برای پاسخگویی به نیازهای زیستی، مالکان، ضابطان، کدخدا و رعیت‌ها بودند. براساس اسناد موجود، مالکان در نزدیک‌ترین شهر به روستاها و مزارع تحت تملک خود یا در مواردی در روستاهای بزرگ و مزارع خود، عمارت‌هایی داشتند. محل استقرار و پایگاه مالک، حتی اگر خود وی در شهر دیگری به سر می‌برد، به طور معمول، در نزدیک‌ترین محل بود (عنبری و طالب، ۱۳۸۷: ۱۵۹). رعیت‌هایی که در این مجموعه زندگی می‌کردند، در کشتخوان اطراف و متعلق به ارباب مجموعه، به زراعت و تولید محصولات کشاورزی و دام‌پروری مشغول بودند و در ازای انجام خدمات، می‌توانستند در داخل مجموعه به همراه خانواده، به زندگی ادامه دهند. فضاهای تشکیل‌دهنده مزرعه به طور معمول شامل محل استراحت شبانه و روزانه اهل خانه، محل قرار دادن لوازم منزل، مطبخ، محل شست‌وشوی ظرف و لباس، انبار خوراک، تنور، محل انجام کارهای دستی مثل قالی‌بافی، حصیربافی، اسطبل، محل انبار کردن غله، محل نگهداری ابزار و ادوات کشاورزی، محل آب دادن به دام‌ها، مستراح، محل ذبح گوسفندان و... می‌شد (حاجی ابراهیم زرگر، ۱۳۸۸: ۱۰۵).

مزارع مسکون نیاز در قالب قلعه‌ها و مجموعه‌های کشتخوانی، همواره از حضور افراد بی‌شماری در نقش‌های مختلف بهره می‌بردند. رعیت‌ها، زارعان، اربابان و مالکان، تیول‌داران و مقطعان، محصلان و ضابطان، مساحان و داروغگان، شبانان و کشاورزان، سربازان و نگهبانان، کدخدا و دشتبان، حمامی و آسیابان، خوش‌نشینان و... بخشی از گروه اجتماعی بودند که در کنار یکدیگر، امورات مزارع مسکون را پیش می‌بردند، بین این اعضا، نظام و سلسله‌مراتب اجتماعی ویژه‌ای حاکم بوده و تا حدودی به لحاظ فرهنگی اجتماعی، از روستاها و شهرها اطراف متأثر بودند. این موضوع را طالب و عنبری در کتاب *جامعه‌شناسی روستایی* (۱۳۸۷: ۱۵۹)، صفی نژاد در کتاب *بنه* (۱۳۶۸: ۴۳) و همچنین حکمت یغمایی در کتاب *بر ساحل کویر نمک* (۱۳۶۴: ۸۹) تشریح کرده‌اند.

مزارع نیاسر، مأمّن و محل وقوع بسیاری از وقایع تاریخی بوده و هنوز محل خاطرات جمعی، نقل داستان‌های عامیانه و ادبیات شفاهی مردم منطقه است؛ مانند وقایع نایب‌حسین کاشی در مزرعه دوک نیاسر که هنوز پیران منطقه آن را نقل می‌کنند (مصاحبه با عمورمضان‌زاده، ۱۳۸۷) یا مهمانی‌های حسینی‌قلی‌خان، ارباب مزرعه سورآباد که نقل محافل

نیاسریان امروزی است و به همین دلیل، این مزرعه به محلی برای برگزاری سور و جشن نام گرفت (مصاحبه با علیرضا اربابی، ۱۳۹۵).

هفت مزرعه مطالعه شده در برخی از موارد، شباهت‌ها و تفاوت‌هایی باهم دارند؛ همه آن‌ها در حومه نیاسر و گاه در درون حریم شهر واقع شده‌اند و دارای عناصر کالبدی مشخصی همچون قلعه‌های رعیتی اربابی و رعیتی، آسیاب، آب‌انبار، سلخ، قنات، عمارت اربابی، حمام، مسجد، کوره آجرپزی، درختان کهنسال، زمین کشاورزی و باغ هستند. همه آن‌ها دارای الگوی ساخت مشخص هستند؛ یا براساس الگوی قلاع کشتخوانی شکل گرفتند و یا در ترکیب مجموعه‌های کشتخوانی به وجود آمده‌اند. اغلب آن‌ها با مصالحی چون گل، چینه، خشت و آجر، چوب، رغبندی، تزیینات گچی و آجری، آهک و... ساخته شده‌اند و بین ۲ تا ۱۳ هکتار مساحت دارند.

مالکیت این مزارع اربابی و شخصی است و در برخی موارد مانند مزرعه بالاعباس آباد که وقف اولاد شده یا مزرعه اتابکی که از طرف مالک، وقف امام علی (ع) در نجف اشرف شده است. اغلب آن‌ها از لحاظ اقتصادی، بهره‌برداری، اجتماعی و فرهنگی، نیمه‌فعال هستند. برخی از آن‌ها هم‌اکنون، به بخشی از یک روستا یا شهر تبدیل شده‌اند؛ مانند مزرعه باروتق و خاتون. تأسیسات زیربنایی مانند آب، گاز، تلفن و برق در این مزارع وجود دارد و در کنار فعالیت‌های کشاورزی، باغداری و دامداری، به دلیل مواهب طبیعی و قابلیت‌های تاریخی، از نظر گردشگری، قابل احیاء نشان می‌دهند.

نتیجه‌گیری

نیاسر و محدوده‌های اطراف آن از نراق تا کاشان و آران و نوش آباد، مزارعی به صورت منظومه‌ای یافت شده‌اند و سؤالات فراوانی را ایجاد کرده‌اند. پاسخ این سؤال که این مجتمع‌های زیستی کوچک از چه زمانی شکل و نضج گرفتند، به درستی مشخص نیست و در لایه‌های مختلف تاریخ، مدفون است. و نیز اینکه میزان تأثیرگذاری آن‌ها بر امور اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی، در چه حد و مرزی بوده، نیازمند تحقیق و پژوهش کامل‌تری است. علاوه بر آن، دلایل نضج و اضمحلال آن‌ها نیز در حاله‌ای از ابهام قرار دارد. اما آنچه محرز است، وجود آن‌هاست. این مزارع در اسناد تاریخی، قضایی و حقوقی متعددی که اغلب مربوط به دوره اسلامی است، دیده شده‌اند؛ مانند سفرنامه‌ها (ابن بطوطه، ۱۳۴۸؛ ابن فضلان، ۱۳۴۵)، وقف‌نامه‌ها شامل اسناد معماری ایران (شیخ الحکمایی، ۱۳۸۸)؛ وقف‌نامه سید واقف مربوط به ۸۵۷ق و وقف‌نامه میرزابقر وزیر قورچیان شاه‌عباس دوم مورخ ۱۰۸۵ق (اعظم واقفی، ۱۳۷۴)، وقف‌نامه مزارع جندق (حکمت یغمایی، ۱۳۶۹) و قباله‌نامه‌ها شامل نگرشی بر مهرنامه‌های عصر قاجار در بیرجند (مکرمی فر و علی‌زاده، ۱۳۸۵) و جامع الخیرات

(۱۳۴۱)، یادگارهای یزد (۱۳۷۴: ج ۲) و... علاوه بر آن، تحقیقات انجام شده در قالب مطالعات میدانی وسیع و نگرش‌سنجی از اصحاب مزارع، به شناسایی ارزش‌های ازیادرفته در مزارع منجر شده است؛ این ارزش‌ها در قالب قابلیت‌ها و نظام‌های حاکم بر مزارع مسکون اربابی، در نوشته‌ها و جداول پیشین بیان شد. این مطالعات نشان می‌دهد که در گذشته‌ای نه چندان دور، اقتصاد کشور در قالب تولیدات کشاورزی، زراعت، دام‌پروری و براساس نسق مبتنی بر عرف و شرع، می‌توانست متکی به خود و خودکف‌ها در پاره‌ای از موضوعات باشد. این مزارع در گوشه‌گوشه کشور براساس نیاز حاکمان، اربابان و رعیت‌ها برای پاسخگویی به مسائل اقتصادی و امنیتی کشور برپا می‌شد؛ که محور نراق تا کاشان نیز در دل کویر و در کنار راه تجاری داخلی در برهه‌ای از تاریخ، از آن مستثنی نبود. مزارع مسکون نیاسر در ادوار تاریخی، به‌لحاظ اقتصادی، از طرق مختلف بهره‌برداری می‌شدند: الف. اخذ درآمدهای مالیاتی که بنا بر اسناد تاریخی، گاهی به صد نوع می‌رسید (مزارع اربابی و رعیتی از مالیات مواشی و مراعی معاف بودند). ب. تولیدات کشاورزی، دام‌پروری و صنایع دستی که به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم بر اقتصاد روستاها و حتی شهرها تأثیرگذار بود. علاوه بر آن، مزارع مسکون تاریخی به‌عنوان بخش مهمی از نظام مدیریت وقف در ایران، هم‌آره در ایجاد و تولید درآمد و در نتیجه، حفاظت و سامان‌دهی رقبات، نقش مهمی داشته‌اند. محصولات تولیدشده در این مزارع می‌توانست مساجد، حسینیه‌ها، حمام‌ها، آسیاب‌ها، قنات‌ها، مدارس و آدمیان و وابستگان به آن‌ها را آباد و زنده نگه داشته و در نتیجه، نقش بسزایی در سامان‌دهی امور حکومتی ایفاء کند. شکل‌گیری، حفاظت و اضمحلال مزارع مسکون تاریخی نیاسر نیز تابعی از مسائل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، امنیتی، زیست‌محیطی و اقلیمی بوده که در دوره‌های مختلف تاریخی، به‌صورت‌های متفاوت، خود را نشان می‌داد و تا دوره پهلوی دوم، مزارع مسکون زیادی را در این منطقه به‌وجود آورد، نگهداری کرد و به کام ویرانی برد. عواملی چون الغای تیول‌داری در اواخر دوره قاجار، ایجاد امنیت نسبی در دوره پهلوی اول و اصلاحات ارضی در دوره پهلوی دوم در مقیاس کلان، تأثیر بسزایی در تسریع در اضمحلال مزارع مسکون داشتند. بسیاری از مزارع به‌مرور زمان و به‌تدریج، به دلایلی مانند ازدیاد جمعیت، حاصلخیز بودن مزارع، ساخت قلاع مسکونی جدید، دسترسی به منابع آبی بیشتر و... از جهات مختلف، توسعه پیدا می‌کردند؛ مانند مزرعه بارونق، خنچه و خاتون. در این موارد، یا قلاع دیگری در نزدیکی آن‌ها برای سکونت و مدیریت زارعین ساخته می‌شد (توانگر مروستی، ۱۳۹۴: ۲۶۸)، یا مزرعه به ده یا روستا تبدیل می‌شد. هم‌اکنون روستاهایی به‌مثابه قرارگیری مزرعه خاتون در دل نیاسر وجود دارند که ساختار مزارع مسکون، در دل آن‌ها وجود دارد، یا مزارع مسکونی در کنار روستاها از گذشته باقی مانده‌اند و روستا با اندکی فاصله در کنار آن‌ها قرار گرفته است.

مهم ترین منبع در این زمینه، مربوط به قمی (۱۳۸۵)، پیگولوسکایا (۱۳۶۷)، لمبتون (۱۳۴۵) و دیگران است.

همه موضوعات اشاره شده مانند سرفصلی کوچک، از یک موضوع پژوهشی بزرگ است؛ که نیازمند مکاشفه و تفسیر است. هر اندازه دانش ما در این زمینه عمیق تر شود، به بینشی نزدیک می شود که به طور دائم، فهم و حفاظت از این آثار از یادرفته را به ما گوشزد می کند. مزرعه مسکون نیاسر، یک فرهنگ جاری و ساری در اجتماع آن دوران بود که قرن ها، جامعه ایرانی متکی به نظام ها و ارزش های موجود در آن، موفق به تربیت منابع انسانی و اقتصادی فعال شده و بر پایه آن در برهه ای از تاریخ، به خودکفایی رسیده بود.

پی نوشت ها:

۱. براساس مطالعه و مصاحبه میدانی، به این مجتمع های زیستی در کاشان، «مزرعه» گفته می شود. در کرمان «دولاب»، در خراسان جنوبی «کلاته»، در یزد «قلاع» و مجموعه های کشتخوانی» و در برخی اسناد مکتوب یادشده، «دست کرت» و «کوشک» نامیده می شود.

۲. پولاک، مزارع را در نظام مالکیت بر شش قسم دیده است: اربابی، رعیتی، وقف، خالصه، تیول، ملک شخصی (پولاک، ۱۳۶۱: ۳۵۱).

۳. عبدالحسین میرزا فرمانفرما در کتاب *مسافرت نامه کرمان و بلوچستان*، ضمن بازدید از خالصجات شاهی، درباره نظام اجتماعی، اقتصادی و امنیتی موجود در مزارع نیز توضیح می دهد: «تمام این سیزده مزرعه را دراب سر می گویند و ریش سفید کل آن ها علیرضا خان ضابط به شاگرد است و به خود او هم مالیات نمی دهند و فقط تمکینی از او دارند که هر وقت علیرضا خان برای جنگ و جدال، کمک و امدادی لازم داشته باشد، تا هزار نفر مرد کاری می توانند بدهند و در همچو موقع، از او همراهی و تقویت دارند» (فرمانفرما، ۱۳۸۳: ۳۶۱).

۴. برای نمونه، می توان به «وقف نامه میرزا اسحاق بیگ یزدی»، مربوط به اواخر دوره صفوی در یزد (افشار، ۱۳۷۴، ج ۲: ۶۲۲-۶۳۳) و شرح وقف نامه های نطنز (اعظم واقفی، ۱۳۷۴) که در این مقاله به آن اشاره شده است، توجه کرد.

۵. «مزرعه محلی است که مبلغ معینی به اسم مالیات آبی و خاکی در عمل ولایت یا یکی از قراء متعهد باشد؛ مانند مزارع کبیر و طسوج که در جزو عمل ولایت است و آنکه تابع قریه باشد، مثل مزرعه ابوالعباس آباد که سالی پنجاه تومان به ضابط جوشقان متعهد است، دیگر سکنه و زارعین آن ها از سرانه و مواشی و غیره معاف هستند (ضرابی، ۱۳۳۵: ۱۳۴). نیاسر غیر از آب آن چشمه، چهار رشته قنات بزرگ و شش چشمه کوچک دیگر، در اصل آن قریه، جاری که به باغات و اشجار آن مصروف است؛ و علاوه بر آن ها، سی وهفت مزرعه که هر یک باغات و عمارات عالیه و اشجار و اراضی تابعه و قلعه و سکنه علی حده دارند که از توابع و لواحق آن قریه و جزو جمع دیوانی آن می باشند و در حول و حوش آن افتاده که هر یک قناتی مخصوص دارند و دشت و کشت و اشجار همه به هم متصل است. منال دیوانی قریه مزبوره نیاسر و مزارع آن یک هزار و هفتصد و بیست وهفت تومان و تیول همشیره اعیانی مرحوم شاهنشاه مبرور محمدشاه قاجار البسه الله من [۷۷ ب] حلل الانوار که

متعلقه نواب مستطاب حاجی سیف‌الدوله است، هست و از حیث اختیار حکومت کاشان خارج است» (همان: ۹۰).

۶. «قریه نیاسر حقیقت قصبه‌ای است و مزارع به‌ذه التفصیل تابع اوست. ۳۷ باب مزارع شامل لنگان، علی‌آباد، خوانکه، سرنج، تجرگان، جعفرآباد، وارونق، خوانچه، هسه، سلیمان‌آباد، تجرگان، جعفرآباد، سنجد، حسن‌آباد، سوراآباد، ابرونک، در سور، سلخ نو، پاچنار، دی‌زرین، اتابکی، دولت‌آباد، کر قن‌علیا، کر قن سفلی، روییده، بحر، سیف‌آباد، خاتون، بدیع‌آباد، رال‌آباد، سریجه، دردار، مه‌آباد، بیدجه، درم آبادعلیا جزو استرک، درم‌آباد، سلوک‌آباد سفلی جزو ایضاً» (کلاتر ضرابی، ۱۳۳۵: ۱۴۸).

۷. آغل گوسفندان که در دل کوه و تپه و امثال آن بسان تونلی توسط مردم منطقه ساخته شده است.

۸. در اسناد مختلفی مانند تاریخ قم و تاریخ کاشان، به تمیز مزرعه با قریه، رستاق، باغ و... اشاره شد. علاوه بر آن در منابعی چون جامع‌الخیرات (۱۳۴۱)، یادگارهای یزد و اسناد معماری ایران نیز اشارات متعددی به این موضوع شده است؛ از جمله در متن وقف‌نامه جامع‌الخیرات درباره موقوفات شمس‌الدین محمد بر مدرسه و خانقاه کینه، مواردی آورده شده است که به واژگانی چون مزرعه، کشتخوان، قطعه، باغ، دسکره، صحرا و... اشاره شده است: «... جمیع المزرعة المدعوه بحارین، احدی مزارع قریه فیروزآباد من قری مدینه مید، من نواحی بلده یزد به اراضی مزرعه دستجردوک، {...} الواقف منها الاراضی الواقعه بمزرعة مدعوه بمید و تلک ایضاً مشتمله علی قطعات متفرقات مشتملات بحدودها المخصوصات بها و قطعه واقعه بوسط کشتخوان، محدوده بارض ورثه موفق بن قوام‌الدین مسعود بن شاپور. و جمیع الباغ الواقع فی الصحراء المذكوره من الدسکره المعینه، وذلک متعارف بباغ کافی، فمنبعها صحراء قصبه مهریجر و {...} فی قریه بفرویه من قری مید من ناحیه بلده یزد» (افشار، ۱۳۷۴، ج ۲: ۴۵۶-۵۳۷) در این وقف‌نامه که در سال ۱۱۶۱ق تنظیم شده است، از زمین یا قطعه، کشتخوان یا کشتخوان، باغ، مزرعه و دسکره، به‌طور جداگانه یاد می‌شود. براساس این وقف‌نامه، کشتخوان شامل چند قطعه است و باغ دارای کشتخوان و قطعه است، دسکره همان قلعه‌های کشتخوانی کنونی بوده و «مزرعه» نیز از هم‌کناری کشتخوان، باغ، دسکره و مستحدثات دیگر شکل می‌گیرد. بنابراین، در اسناد تاریخی مربوط به یزد، از واژه کشتخوان برای «مزرعه کشاورزی و غیرمسکون» استفاده می‌شد و از واژه مزرعه برای «مزرعه مسکون».

منابع

- ابن بطوطه، رحله، ۱۳۴۸، سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه محمدعلی موحد، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ابن فضلان، ۱۳۴۵، سفرنامه، ترجمه ابوالفضل طباطبایی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- اعظم واقفی، سید حسن، ۱۳۷۴، میراث فرهنگی نطنز، آثار تاریخی، آداب، سنت‌ها و تاریخ نطنز، ج ۱، تهران: علمی و فرهنگی.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان، ۱۳۶۸، مرآت البلدان، ج ۱ و ۴، به‌کوشش عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- افشار، ایرج، ۱۳۷۴، یادگارهای یزد، معرفی ابنیه تاریخی و آثار باستانی شهر یزد، ج ۱ و ۲، چ ۲، تهران: انجمن

در جست‌وجوی
مزارع مسکون
اربابی دوره
قاجار در نیاسر



- آثار و مفاخر فرهنگی.
- پیگولوسکایا، ن، ۱۳۶۷، شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان، ترجمه عنایت‌الله رضا، تهران: علمی و فرهنگی.
- پولاک، یاکوب ادوارد، ۱۳۶۱، سفرنامه پولاک «ایران و ایرانیان»، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: خوارزمی.
- توانگر مروستی، مجید، ۱۳۹۴، قلعه روستاهای تاریخی منطقه هرات و مروست استان یزد، بی‌جا: انتشارات سبحان نور.
- شیخ الحکمایی، عمادالدین (و.)، ۱۳۸۸، اسناد معماری ایران، دفتر اول، تهران: مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری.
- حاجی ابراهیم زرگر، اکبر، ۱۳۸۸، درآمدی بر شناخت معماری روستایی ایران، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- حکمت یغمایی، عبدالکریم، ۱۳۶۹، بر ساحل کویر نمک، تهران: انتشارات توس.
- حسینی یزدی، سیدرکن‌الدین، ۱۳۴۱، جامع‌الخیرات، به‌کوشش ایرج افشار و محمدتقی دانش‌پژوه، تهران: فرهنگ ایران‌زمین.
- طالب، مهدی و موسی عنبری، ۱۳۸۷، جامعه‌شناسی روستایی، ج ۲، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- فرمانفرما، عبدالحسین میرزا، ۱۳۸۳، مسافرت‌نامه کرمان و بلوچستان، به‌کوشش ایرج افشار، تهران: اساطیر.
- فوران، جان، ۱۳۷۸، مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفوی تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی، ترجمه احمد تدین، ج ۲، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- قمی، حسن بن عبدالملک قمی، ۱۳۸۵، تاریخ قم، تصحیح سید جلال‌الدین تهرانی، آستانه مقدسه: انتشارات زائر.
- کاتب، احمد بن حسین بن علی، ۱۳۴۵، تاریخ جدید یزد، به‌کوشش ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.
- کریستن سن، آرتور، ۱۳۷۴، وضع ملت و دولت و دربار در دوره شاهنشاهی ساسانیان، ترجمه مجتبی مینوی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- کتابخانه و مرکز اسناد پایگاه میراث‌فرهنگی و گردشگری شهر تاریخی نیاسر، ۱۳۸۴-۱۳۸۷.
- کلانتر ضرابی، عبدالرحیم (سهیل کاشانی)، ۱۳۳۵، تاریخ کاشان، به‌کوشش ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.
- صفی‌نژاد، جواد، ۱۳۶۸، بنه (نظام‌های زراعی سنتی در ایران)، تهران: امیرکبیر.
- نیکزاد امیرحسینی، کریم، ۱۳۵۶، شناخت سرزمین چهارم‌حال.
- لمبتون، ا.ک.س، ۱۳۴۵، مالک و زارع در ایران، ترجمه منوچهر امیری، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مستوفی بافقی، محمدمفید، ۱۳۴۲، جامع مفیدی، به‌کوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات اسدی.
- مکرمی فر، ابوالفضل و دیگران، ۱۳۸۵، نگرشی بر مهنه‌های عصر قاجاریه در بیرجند، تهران: انتشارات سازمان میراث‌فرهنگی کشور.
- مصاحبه با اهالی مزرعه بارونق، ۱۳۹۵.
- مصاحبه با خسرو اعتماد، مزرعه عباس‌آباد، ۱۳۹۵.
- مصاحبه با قدمعلی کرمانی، مزرعه اتابکی، ۱۳۹۵.

- مصاحبه با علیرضا اربابی، مزرعه سورآباد، ۱۳۹۵.

- مصاحبه با مرحوم عمو رمضانزاده، نیاسر، ۱۳۸۷.

در جست‌وجوی
مزارع مسکون
اربابی دوره
قاجار در نیاسر



•
•
•
•
•
•
•